

درخواست پول کردن از مردم توسط براندازان هرروز شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد، این بار با عبارت: «روزی ۲ دلار»

# برانداز ۲دلاری

زهرا طیبی - علی مزروعی

گروه نقد روز

چاه براندازی به آب نرسید اما کارگران آن برای کسب نان همچنان مشغول کلنگ زنی‌اند. اپوزیسیون خارج‌نشین که تا بلوکه براندازی را با هدف کسب درآمد سر دست گرفته و برای فروش رویا به دولت‌مردان ضد ایرانی به هر کوی و برزن سرک می‌کشد در ماجرای اتفاقات سال گذشته به‌طور علنی تری هویت کاسبکارانه خود را آشکار ساخت. همه چهره‌های اپوزیسیون نیز تمام تلاش

## کاسبی تازه سلبریتی براندازها وارد فاز جدیدی شد

«روناک یونس» بازیگری که چندسالی می‌شود خارج‌ازایران زندگی می‌کند اخیرا در جریان ناآرامی‌های سال گذشته در شبکه‌های اینترنتی پخش شده و اظهار نظرهایی علیه ایران مطرح کرد. او هم‌راستا با آنچه از جانب برخی براندازان خارج‌نشین از جمله حامد اسماعیلیون و مسیح علی‌نژاد، درباره تعطیلی سفارت‌های ایران در دیگر کشورهای صحبت می‌کرد و اظهار می‌داشت: «اخراج سفیرهای ایران در دیگر کشورهای این پیام را دارد که دنیا پشت من است.» یونس البته هرگزگهی تلاش می‌کرد با حاشیه‌سازی به نحوی خود را در صدر اخبار نگه دارد. ناآرامی‌های سال گذشته فرصت مناسبی برای مطرح کردن دوباره خود از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان بود. اما این گزاره نیز دور از ذهن نبود که او نیز در کنار حمیدفرخ‌نژاد، احسان کریمی، شبنم فرشادجو و دیگر بازیگران خارج‌نشین ایرانی، ریلگان حاضر به پذیرفتن هزینه مصاحبه با شبکه‌های فارسی‌زبان و موضع‌گیری درباره آنچه در ایران اتفاق می‌افتاد، شده بود. درست در روزهایی که رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش می‌کردند با اعمال فشار و تبلیغ این گزاره را اثبات کنند که هنرمندان و ورزشکاران نسبت به اتفاقات ایران موضع‌گیری هم‌راستا با آنها داشته‌اند، حضور افرادی که پیش از این در ایران بازیگری می‌کردند می‌توانست نمایش موثری برای اثبات آنچه این شبکه‌ها مخصوصا اینترنت‌نشان به دنبال اثبات آن بود را به تصویر بکشد. با عبور از ناآرامی‌های سال گذشته اما حضور این چهره‌ها و اهمیت آنها در فضای مجازی و شبکه‌های فارسی‌زبان، به مرور کاسته شد و طبیعتا بود دیگر خبری نیز از کسب درآمد

## کاسبی از ناآرامی‌ها؛ شغل جدید شازده پهلوی و خانواده

دیدارها با نمایندگان پارلمان‌های اروپایی و سفر به برخی از کشورهای اروپایی بعد از گذر از ناآرامی‌های سال گذشته توسط رضا پهلوی درحالی پیگیری می‌شد که وی تلاش می‌کرد، چهره‌ای از خود در میان براندازان خارج‌نشین ترسیم کند که به نحوی نشان دهد لیدری اعتراضات را برعهده دارد. فارغ از اینکه اقدامات او توسط براندازان خارج‌نشین نیز مورد تمسخر قرار می‌گرفت. اما شازده پهلوی در همان روزها داد عا کرد که برای حمایت از ناآرامی‌ها در ایران صندوق کمک مالی راه‌اندازی کرده است. این صندوق که مشخص نیست به چه نحوی و از چه منبعی اقدام به جذب کمک‌های مالی کرد نزدیک به یک میلیون دلار کمک مالی دریافت کرد، حالا با گذشت یک سال از راه‌اندازی صندوق شازده پهلوی معلوم نیست این مبلغ کجا و به چه نحوی هزینه شده است که رضا پهلوی در پاسخ به سوال مجری درباره سرمنشبت این صندوق باز هم درخواست کمک مالی این بار از جانب ایرانیان خارج‌نشین می‌کند اما این نظر می‌رسد که مقامات خارج‌نشین دیگر حاضر نیستند برای اجرای پروژه فرضی براندازی توسط شازده پهلوی هزینه کنند. در همین راستا نیز او در واکنش به آزادی پول‌های بلوکه شده ایران می‌گوید: «اان به جای اینکه یک دولت خارجی یک مبلغ پولی را

## کمک‌های مردمی که صرف خرید گوشی سامسونگ و لوازم شخصی نماینده سوتدی شد

«من سوتدی و نماینده مردم سوتدی هستم و تنها پرچم کشور سوتدی را روی سینه‌ام می‌زنم.» علیرضا آخوندی، نماینده ایرانی تباری که البته خود سوتودی می‌داند. در روزهای بروز ناآرامی‌ها دنبال‌کننده جدی پروژه قرار دادن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی بود و برای تصویب این امر در پارلمان اروپا با شعار مبارزه برای مردم ایران تلاش‌های زیادی کرد که اگرچه منجر به تروریستی اعلام شدن سپاه توسط اتحادیه اروپا نشد اما بیانیته‌ای با همین محور توسط پارلمان اروپا منتشر شد. اما شاید سادگی بود اگر تصور کنیم او که خود را نماینده مردم سوتدی می‌داند تنها انگیزه ایرانی‌دوستی این فعالیت‌ها را انجام داده است. آخوندی سال گذشته با همین شعار نزدیک به ۱۱۰ هزار یورو کمک مالی جمع‌آوری کرد و در پاسخ به سوال یکی از براندازان که گفت ۱۲ هزار یورو پول جمع‌آوری کردید، چه کار کردید؟

## پول‌های بلوکه شده خواسته جدید براندازان

مسیح علی‌نژاد که در جریان اتفاقات سال گذشته تلاش‌های زیادی برای ائتلاف براندازان انجام داد، شاید اولین فردی بود که بعد از فروپاشی منشور همبستگی سعی داشت القا کند منشور همبستگی علی‌رغم خروج برخی افراد هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. او یکی از افتخارات خود را در ماجرای ناآرامی‌های سال گذشته عکس گرفتن با رئیس‌جمهور فرانسه و دیدار با مقامات کشورهای اروپایی می‌دانست و همواره این گزاره را که توسط یکی از نهادهای امنیتی آمریکا محافظت می‌شود، مطرح می‌کرد تا به‌گونه‌ای القا کند که شخصیت مهمی است. علی‌نژاد علی‌رغم اینکه تلاش می‌کرد خود را لیدر اپوزیسیون خارج‌نشین و یکی از افراد موثر در اتفاقات سال گذشته معرفی کند، حتی در میان اپوزیسیون خارج‌نشین نیز شخصیت چندان محجوبی نبود. علی‌رغم اختلافات زیادی که میان براندازان وجود داشت، شاید یکی از دلایل عدم محبوبیت و ناسازگاری دیگر براندازان با او هزینه‌هایی بود که علی‌نژاد در قبال انجام این اقدامات دریافت می‌کرد. او یکی از افرادی بود که برای پیگیری پروژه‌های ضدایرانی‌اش قراردادی مستقیم با دولت آمریکا امضا کرده است و برای مثال در سال مالی ۲۰۲۳ تنها یک قرارداد به ارزش پایه ۹۹ هزار دلار در ماه امضا کرده است. امضای قراردادهای مستقیم با دولت آمریکا بخشی از دریافتی‌های او در قبال اجرای پروژه ضدایرانی است. چندوقت پیش بود که خبر شکایت او برای دریافت غرامت از محل پول‌های بلوکه شده به خاطر آسیب روحی که ادعا می‌کرد به خاطر فوت برادرش متحمل شده بود، واکنش‌های زیادی میان براندازان خارج‌نشین به همراه داشت. علی‌نژاد اگرچه در شکایت خود مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار به عنوان غرامت درخواست کرده بود اما دادگاه فدرال آمریکا، رای به پرداخت سه میلیون دلار از محل پول‌های بلوکه شده ایران داد و اگرچه او به خاطر فضای منفی ناشی از این اقدامش گفت مبلغ را دریافت نخواهد

## هوایپیمای اوکراینی به فروش گذاشته شد!

بعد از اینکه اسماعیلیون، مسئولیت سخنگویی و پیگیری پروژه هوایپیمای اوکراینی را برعهده گرفت، برخی از خانواده‌های قربانیان این حادثه نسبت به دنبال تکون این پرونده و مشغول شدن اسماعیلیون به فعالیت‌های سیاسی، اعتراضاتی را مطرح می‌کردند. هم‌زمان با ناآرام شدن خیابان‌های ایران و ظاهر شدن اسماعیلیون به عنوان یک چهره برانداز مخالف حکومت و حضورش به عنوان عضوی از منشور همبستگی، اعتراضات نسبت به اقدامات سیاسی او بالا گرفت. در این میان امیربخی ادعای کردند که اسماعیلیون زود چه‌ای که برای پیگیری پروژه جانباختگان اوکراینی در اختیارش قرار گرفته برای انجام فعالیت‌های سیاسی استفاده کرده است. همسر یکی از جان‌باختگان این حادثه نسبت به عملکرد اسماعیلیون گفته بود: «موضع‌گیری سیاسی انجمن و چهره‌های شاخص، نه تنها به براندازی کمک نمی‌کند بلکه به اهداف خود پرواز و اعتماد مردم هم ضرر می‌زند.» اعتراض یکی از کارکنان اینترنت‌نشان به فعالیت‌های سیاسی اسماعیلیون، از جمله تقد‌هایی بود که به او وارد شده بود. «اینجمن طبق اساننامه مجاز به فعالیت سیاسی، دادن فراخوان و هزینه کردن از منابعی که بابت پیگیری ماجرای هوایپیمای اختصاص داده شده است؟ اسماعیلیون چقدر وظیفه اصلی‌اش درباره ماجرای هوایپیمای انجام داده؟»

## آنتی‌کاریزما کیلو چند؟

با اوج گرفتن ناآرامی‌ها در خیابان‌های ایران، از جانب براندازان و اپوزیسیون، جوی در فضای مجازی ایجاد شده بود که هر فعالیت و اقدامی را مورد حمله قرار می‌داد. متاثر از این فضا، سینما و کنسرت‌ها نیز تقریبا به حالت نیمه تعطیل درآمدند اما با آرام شدن شرایط خود براندازان و اپوزیسیون هم به آرامی برگزاری کنسرت‌ها در خارج از کشور را از سر گرفتند. شاهین نجفی نیز به مناسبت سالگرد فوت مهسا امینی برای کنسرتی در آلمان بلیت فروشی کرد و قیمت هر بلیت را نیز بین ۱۰ تا ۱۲۰ یورو تعیین کرد. شاهین نجفی شخصیتی بود که یک گروه رپ با عنوان «آنتی‌کاریزما» به راه انداخته بود و سعی می‌کرد از این طریق چهره یک اپوزیسیون ضد حکومت به خود بگیرد اما نکته جالب ماجرا آنجاست که نجفی که سعی داشت بگیرد با کاریزما سازی از افراد و شخصیت‌ها مخالف است اخیرا کلاما مخالف آنچه اظهار می‌داشت موضع‌گیری کرد و از رضا پهلوی یک شخصیت

## ارتزاق یتیمان تیرانا از خیریه براندازی

یکی از نخستین راهکارهای برای درآمدزایی قابل توجه توسط سازمان مناقین، تأسیس انجمن‌های خیریه با ادعای کمک به کودکان بی‌بضاعت و خانواده‌های آنها در ایران بود. مجید تفرشی، پژوهشگر در مستندی چند قسمتی با نام «خیریه اشرف» به بررسی این موضوع پرداخته است. او پس از آزاد سازی نزدیک به ۶ هزار سند در موسسه چرتی کامبش که یکی از نهادهای مردم‌نهاد و ناظر بر موسسات خیریه در انگلیس است، به بررسی این اسناد پرداخت و متوجه شد بخشی از این اسناد مربوط به موسسه خیریه‌ای به نام «ایران آید» (Iran Aid) است که تلاش می‌کرد به کودکان و خانواده‌های بی‌بضاعت در ایران و مناطق مرزی ایران کمک کند. تفرشی توضیح می‌دهد: «متوجه شدم که این موسسه خیریه پولشالی است و محلی برای کلاهبرداری و انتقال پول از اروپا به عراق

خود را به کار گرفتند تا از قافله عقب‌مانده و در عمق بخشیدن به این هویت اثرگذار باشند. در جدیدترین نمونه، «روناک یونس» بازیگر سابق سینما در این رابطه به ایفای نقش پرداخته است. روناک یونس در ویدئویی که از خود منتشر کرده بدون اینکه بخواهد برای فعالیت براندازانه این‌گونه از مردم کسب مزد کرد: «فقط دو دلار.» یونس بدون اینکه پاسخ دهد حاصل یک سال شعار براندازی از جانب او و سایر اپوزیسیون چه بوده است، می‌گوید: «باید حمایت واقعی کنیم. این سیستم، این جمعیت، خانم‌هایی که اینجا

در مجموعه‌ای که من کار می‌کنم هستند، می‌خواهم یک کار عملی انجام دهم. در این مسیر احتیاج داریم به کمک همه شما هموطن عزیز که در خارج از کشور زندگی می‌کنید. اینجا زمانی است که شما باید حمایت واقعی خودتان را نشان دهید. نمی‌گم زیاد، با دو دلار. تنها با اهدا کردن پول یک قهوه در روز. در این مسیر احتیاج داریم به کمک همه، باید حمایت واقعی کنیم.» نمونه‌های متعدد از رفتارهای مشابه اپوزیسیون نشان می‌دهد کاسبی واقعی است. تمام رفتارهای براندازگونه است که یونس فقط آن را علنی تر فریاد زده است.

از این طریق نبود و این موضوع تا آنجا نمود پیدا کرد که برخی از این بازیگران در سالگرد اتفاقات پاییز و برای کسب درآمد تئاترها و نمایش‌هایی در خارج از کشور به راه‌انداختند تا هم نقاب مبارزه از چهره‌شان نینفتد، هم منبع درآمدی برای خودشان دست‌وپا کنند. اخیرا اما روناک یونس بازیگری که بعد از شکست پروژه براندازان نامی از او شنیده نمی‌شده در ویدئویی مدعی شده که اعتراض تنها شرکت در اجتماعات و پلاکارد دست گرفتن نیست و از ایرانیان خارج‌نشین خواست در راستای اعتراضات‌شان به موسسه‌ای که او در آن مشغول به فعالیت است کمک کنند تا بتوانند اقدامات خود را انجام دهند. کاسبی به نام مبارزه و اعتراض توسط بازیگران خارج‌نشین حالا به مرحله درخواست کمک از ایرانیان خارج‌نشین رسیده است. اگرچه این درخواست کمک هان نشان می‌دهد که بودجه‌های کشورهای خارجی برای اجرای پروژه براندازی کاهش محسوس داشته است اما فرصت مناسبی را در اختیار سلبریتی‌های برانداز قرار داده که حالا با ادعای لزوم هزینه دادن برای اعتراض از آنها مبلغ مالی درخواست کنند، آن هم در شرایطی که نه سازوکار مشخصی برای این سازمان‌های یک‌شبه‌ساز شده وجود دارد و نه استدلال مشخصی از راهی می‌شود که بر چه اساسی ایرانیان خارج‌نشین باید برای پرداخت مبالغ به آنها اعتماد کنند. آن هم در شرایطی که مشابه این اقدامات توسط دیگر براندازان خارج‌نشین انجام شد و مشخص نشده هزینه‌های مالی جمع‌آوری شده دقیقا کجا هزینه شده است.

اختیار مردم قرار دهد که کمکی باشد برای مقابله با حکومت. آن را به نظام می‌دهد.» به نظر می‌رسد نقاب ایران دوستی رضا پهلوی خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد کنار رفت. این امر و اقدامات اینجینبی رضا پهلوی و کاسبی از ناآرامی‌های ایران موضوعی بود که خود براندازان خارج‌نشین آن را افشا کردند. جمع‌آوری پول به اسم کمک به صندوق مالی و سفرهای بی‌دردی رضا پهلوی برای جمع‌آوری این کمک‌ها تنها کاسبی شازده پهلوی از اتفاقات سال گذشته نبود. هم‌زمان با نزدیک شدن به سالگرد اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ بود که تشکیل جلسه سخنرانی با حضور همسر شازده پهلوی و نرخ بلیت‌های برای این جلسه حاشیه‌ساز شد؛ بلیت عادی شرکت در این جلسه ۱۵۰ دلار هزینه برمی‌داشت اما اگر می‌خواستید کنار همسر شازده بنشینید باید ۲۵۶ دلار هزینه می‌کردید. بر این اساس شاید این گزاره چندان اشتباه نباشد اگر بگوییم شغل شازده پهلوی که با حمایت مالی بنادر به گفته خودش به فعالیت‌های سیاسی محدود شده بود حالا به کاسبی از ناآرامی‌های سال گذشته و سفرهای مختلف برای به دست آوردن بودجه به نام اعتراض و برای گذران زندگی در خارج تبدیل شده است.

## کمک‌های مردمی که صرف خرید گوشی سامسونگ و لوازم شخصی نماینده سوتدی شد

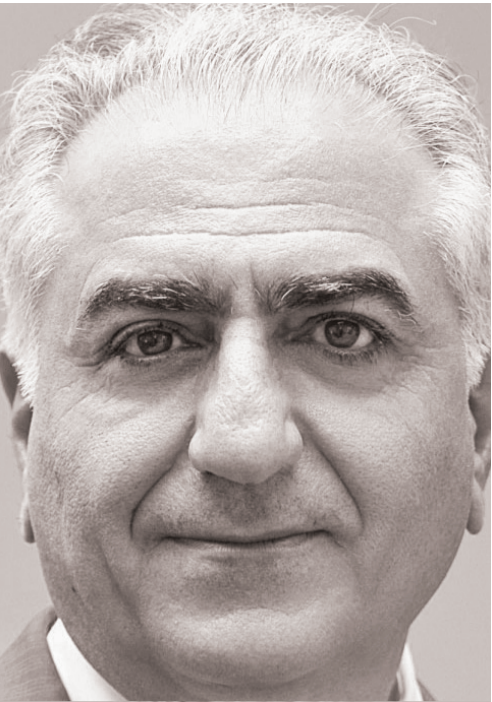
چرا برای مردم ایران نفرستادید. گفت: «اولا ۱۱ هزار یورو بوده است، بعد هم ما زحمت کشیدیم سیاست غرب را تغییر دادیم.» آخوندی در واقع مبالغی را که جمع‌آوری کرده بود، دستمزد زحمات خود برای تغییر سیاست‌های غرب می‌دانست. جزئیات آنچه آخوندی با پول‌های جمع‌آوری شده به دست آورده بود، اخیرا در صفحه‌ای به نام جامعه ایرانیان اروپا منتشر شده است. ریز هزینه‌های این نماینده سوتدی نشان می‌دهد که تاکنون بیش از ۱۶ هزار دلار از مبالغ جمع‌آوری شده را صرف هزینه‌های شخصی مثل خرید گوشی موبایل سامسونگ، لباس و لوازم شخصی کرده است. می‌توان گفت آنچه او در یک سال گذشته انجام داده بیش از آنکه اقدامی در راستای کمک به مردم ایران باشد، صرفا تلاشی برای فراهم کردن زندگی آسوده‌تری برای خود در پارلمان اروپا بوده است.

کرد و اقدامش نمادین بوده، نه تنها پول را دریافت کرد، بلکه موسسه‌ای با همین انگیزه راه‌اندازی کرد تا افرادی که می‌خواهند از محل پول‌های بلوکه شده به آنها غرامت پرداخت شود، به این موسسه مراجعه و نهائیا درصدی را پرداخت کنند. به نظر می‌رسید موفقیت علی‌نژاد در دادگاه فدرال برای دریافت غرامت از محل پول‌های بلوکه شده باب جدیدی برای کسب درآمد از طریق پول‌های مردم ایران برای او باز کرده بود. آنها برای توجیه این اقدام ادعا می‌کردند برداشت این پول‌ها بخشی از هزینه‌ای است که ایرانیان باید برای کمک به آنها و مبارزات‌شان بپردازند. هرچیزی، وکیل پرونده غرامت مسیح علی‌نژاد در همین رابطه اظهار داشت: «گرفتن غرامت از صندوقی که پول ایران هم در آن باشد، غیراخلاقی و غیراخلاقی نیست. درست است که می‌گوییم این پول مردم است، اما این هزینه‌هایی است که مردم ایران باید پرداخت کنند و راهکار دیگری وجود ندارد و اگر ساختاری برای پرداخت غرامت وجود دارد، باید مبلغ پرداخت شود و هیچ ساختار غیراخلاقی وجود ندارد.» به نظر می‌رسد دریافت غرامت توسط برخی براندازان در حال تبدیل شدن به منبع جدیدی برای کسب درآمد است و اگرچه پیش از این چهره‌های برانداز این موضوع را در میانه اتفاقات سال گذشته و حتی پیش از آن مطرح می‌کردند که برای ادامه مبارزه علیه حکومت، پول‌های بلوکه شده راه ما مهیدند. اما حالا و با استفاده از قانون عمل‌برای مصادره این مبالغ اقدام می‌کنند. خانواده عباس امیرانتظام افرادی هستند که هرکدام نزدیک به ۶ میلیون دلار از اموال بلوکه شده ایران غرامت دریافت کرده‌اند. بر این مبنا شاید چندان عجیب نباشد که خبر آزادسازی پول‌های بلوکه شده مردم ایران با واکنش منفی براندازان خارج‌نشین همراه می‌شود؛ چراکه یکی از منابع اصلی کسب درآمد آنها از این طریق از این میان می‌رود.

مجموع این اعتراض‌ها لوگوکش‌های منفی سبب شد اما اسماعیلیون در ۱۱ اسفند سال گذشته از دبیری و سخنگویی انجمن جان‌باختگان هوایپیمای اوکراینی استعفا بدهد. او البته دلیل استعفا بدهد را حضور فعال‌تر در جنبش زن، زندگی، آزادی عنوان کرد. اسماعیلیون بعد از خروج از منشور همبستگی به غیر از برگزاری چند تجمع و دعوا با اسپات‌های سایر چهره‌های اپوزیسیون، ظهور و بروز دیگری نداشت تا اینکه انتشار تصاویری از تیشرت، لباس لیوان و دیگر وسایلی که نشانه‌هایی از تژاوی هوایپیمای اوکراینی داشتند و توسط اسماعیلیون به فروش گذاشته شده بود، حاشیه‌های زیادی به همراه آورد. عمده تقد‌هایی که بیشتر هم از جانب اپوزیسیون خارج‌نشین مطرح می‌شد این بود که اسماعیلیون در حال کاسبی از خون همسر و فرزندانش است. آرام شدن خیابان‌های ایران بعد از پاییز سال گذشته و آشکار شدن این موضوع که وقایعی مثل براندازی یا انقلاب بیشتر شبیه به سرایی بودند که براندازهای خارج‌نشین آن را واقعی تصور می‌کردند، سبب شد این افراد به سمت کاسبی از طریق تقد‌های انقلاب خود خوانده‌شان حرکت کنند. اقدامی که با ادعاهای آنها مینمی‌رساند که دل‌سوز مردم ایران هستند و برای آزادی مبارزه می‌کنند مغایرتی ۳۶ درجه‌ای دارد.

کاریزماتیک ساخت و گفت: «به روح پدرم وقتی شاهزاده در تورنتو روی استیج آمد، زمین می‌لرزید.» اظهارات متناقض نجفی، درباره کاریزما سازی از افراد این سوال را ایجاد می‌کند که چرا شاهین نجفی با این اظهارات به یک‌باره حامی رضا پهلوی می‌شود و از او یک شخصیت کاریزماتیک می‌سازد. احتمالا حمایت‌های مالی خاندان پهلوی در شددت این تعریف و تمجیدها نقش پررنگی ایفا می‌کنند. امری که خود شاهین نجفی منکر آن است و در مصاحبه با شبکه منوتو می‌گوید دلیل اینکه عاشق شاهزاده شده است، پول نیست. اما عقاید دوگانه او خلاف این ادعا را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد وقتی پای حمایت مالی وسط باشد، کاسبی کردن از وقایع و اتفاقات سال گذشته امر بدیهی برای اپوزیسیون محسوب می‌شود تا حدی که حاضرند عقاید خود را نیز دستمخوش تغییر ۱۸۰ درجه‌ای قرار دهند.

و برعکس است. در حقیقت این موسسه، پوششی برای [تشکیلاتی موسوم به] شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق بود.» ایران‌اید، از ۲۹ شهریور ۱۳۶۲ (۲۰ سپتامبر ۱۹۸۳) فعالیت خود را آغاز کرده بوده بود. مناقین انجمن‌های خیریه دیگری به بهانه حمایت از کودکان ایرانی در شهرهای مختلف کشورهای اروپایی و آمریکا همچون CHR در لس‌آنجلس تأسیس کرده بودند و از این طریق نیز مبالغ قابل توجهی به دست آوردند. تأسیس نهادهای خیریه برای کسب درآمد مثال واضح سوءاستفاده مالی مناقین از شعارها و ادعاهای حقوق بشری است. مناقین با همین ادعاهای در اتفاقات سال گذشته نیز موثر ظاهر شدند تا بتوانند در دیدار با مقامات کشورهای مختلف غربی اقدامات ضد بشری مستتر شده در شعارهای بشردوستانه را نقد کنند.



فرهنگ‌نخبگان

نقد روز



یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲



شماره ۳۹۷۰



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۷